

## معرفی یک نسخه خطی فارسی از قرن ۱۳ هجری قمری<sup>۱</sup>

آسیه محمدالله\*

نسخه‌ای که قصد معرفی آن را دارم از طرف کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اختیار من قرار گرفته است. همان طور که می‌دانید جمع‌آوری و تدوین اخبار و روایات مربوط به شرح احوال و تاریخ غزوات یسا جنگ‌های حضرت رسول اکرم، محمد بن عبدالله، از نیمه دوم قرن اول هجری در مدینه شروع شد و از مصنفات قرن اول و اوایل قرن دوم اثر مهمی به جای نمانده است. تنها کتاب جامعی که به جای مانده و به دست ما رسیده، کتاب محمد بن اسحاق است که اخبار و روایات

---

\* مری مارگله کالج اسلام‌آباد، F7/4

۱. مطلبی که در پیش رو دارید، متن سخنانی است که خانم آسیه محمدالله در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در هم اندیشی «سیرت‌نگاری به زبان فارسی» ایراد کرده‌اند.

مربوط به ظهور اسلام و شرح احوال و سیرت محمد مصطفی را در بردارد. این کتاب به نام مؤلف آن و صاحب السیره شناخته شده است. کتاب معروف دیگر سیره ابن هشام است. وی کتاب سیره ابن اسحاق را تلخیص و تهذیب نموده و کتابی تدوین کرده که به «سیره الرسول» یا «سیره النبوی» مشهور است.

نسخه خطی که به دست بنده رسیده است، با نام «سیرت النبوی» در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش با شماره ۱۶۷۴۴ ثبت شده است. این نسخه به زبان فارسی و به شکل منظوم، در قالب مثنوی و بر وزن شاهنامه فردوسی، یعنی فعولن فعولن فعولن فعل، بحر متقارب مثنی سالم سروده شده است. نسخه مزبور دارای ۶۱۸ صفحه است و هر صفحه ۱۲ سطر دارد؛ به خط خوش نستعلیق است و عناوین آن با خط درشت نوشته شده است. تاریخ کتابت آن قرن ۱۳ هـ.ق است و کاتب و مؤلفش ناشناخته است. این نسخه شامل ۶۶ عنوان است و آغاز آن افتادگی دارد.

عناوین این نسخه عبارت است از: صفت آفریدن نور محمد مصطفی و آفریدن عرش و آدم علیه السلام؛ قصه آمنه، مادر محمد؛ معجزه چند در ولادت محمد مصطفی؛ نزول فرشتگان و شق صدر آن حضرت؛ فرستادن خدیجه محمد مصطفی را به تجارت؛ جنگ های بدر؛ حنین؛ احد؛ در صفت معراج رسول و... نخستین عنوان این نسخه: «صفت آفریدن نور محمد مصطفی و آفریدن عرش و آدم علیه السلام» است.

سراینده این نسخه حکایت صفت آفریدن نور محمد مصطفی و آفریدن عرش و آدم و نیز قصه قربانی صد اشتر عبدالمطلب را چنین شرح داده است:

چنین نقل کرد دانای راز	که اندر ازل حضرت بی‌نیاز
چنان خواست کز نور خود در جمال	کسی آفریند ز نور جلال
که باشد بلطف تو منظور او	جهانی شود روشن از نور او
وصالش بسی دلنوازی کند	بصد دوستی عشق بازی کند
پس از نور او نور روی رسول	به لطف آفرید از کمال قبول
چو نور محمد منور بداشت	نظرگاه خود را برابر بداشت

دران وحدتش نور منظور بود	نظرگاه حق دایم آن نور بود
بسی رحمت جوید فضل جلال	برو کرد ایثار روز وصال
چو شمع تجلی برافروختی	محمد چو پروانه پر سوختی
کمال محبت چنان کار کرد	که آئینه خود رخ یار کرد
پس از ده یکی نور صدر عزیز	بصنع آفریدی عجب عرش نیز

و در عنوان بعدی، قصه آمنه، مادر محمد و معجزات پیغمبر آخرالزمان را در شکم مادر چنین شرح کرده است:

حملیست این نور از راه حق	که ذر عیانست اسرار حق
بصورت سپهدار معنی است این	سپهدار دنیا و عقبی است این
محمد چراغ اول اولیاست	امام رسل خاتم انبیاء است
منور شریعت مکمل کند	بنای ضلالت معطل کند
زمشرق بمغرب رسد آگهی	که آمد محمد بشاهنشهی

سراینده این ابیات ذیل عنوان «معجزه چند در ولادت حضرت محمد»، معجزاتی که هنگام ولادت حضرت محمد رخ داده را شرح کرده است؛ معجزاتی مانند خاموش شدن آتشکده فارس، پر شیر شدن پستان خشک شده حلیمه که پرورش مایه و ماده این برکات را به عهده گرفته بود و نیز قصه سرزمین بی آب و گیاه که حضرت محمد در آن جا پرورش یافت و بعد از برکت و عظمت وی، آن سرزمین پرگیاه و سرسبز گردید. اکنون برای نمونه تعدادی از این ابیات را نقل می‌کنم:

چو پیدا شدن آن نور مشهور او	همه عالم انور شد از نور او
مطاع فلک گشت ازو جبرئیل	بمرد آتش فارس خشک آب نیل
گشادند درهای هفت آسمان	که آمد شهنشاه آخر زمان
ببودش زجودش پریشان شدند	کجا مؤمنان خصم ایشان شدند

و در آخر درود و سلام بر پیغمبر می‌فرستد:

هزاران درود و هزاران سلام  
زما بر محمد علیه‌السلام

پس از آن حکایت «رعایت کردن محمد علی را» چنین بیان نموده است:

شنیدم که گویندهٔ اوستاد	که در مکه قحطی عجب اوفتاد
ابوطالب از مال درویش بود	ز بهر عیالان دلش ریش بود
سه تن داشت دانا و زیبا پسر	عقیل علی بود جعفر دگر
محمد ز بهر رعایت علی	به پیش خود آورد از پر دلی
که تا باشد از غم سبکبار هم	که از قحط هم بود پس بار غم
علی ولی از نبی شاد شد	نبی چون علی از غم آزاد شد...

در آخر کاتب از خداوند لطف و کرم و احسان می‌طلبد و بعد هزاران درود و سلام بر پیغمبر می‌فرستد:

خدایا بدین تقویت کن مرا	بالطاف خود تربیت کن مرا
تو باشی خداوند احسان، خود	نگهدارم از هم‌نشینان بد
توکل بلطف تو داریم و بس	که غیر از تو یاری نداریم کس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی